

## آیات و اشارات قرآنی، مبنای اساسی در تاریخ «ماده تاریخ گویی»

سیدمرتضی حسینی بیدگلی<sup>۱</sup>

علیرضا قوجه‌زاده<sup>۲</sup>

شمسی واقف‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

ماده تاریخ‌سرایی یکی از ظریف‌ترین فنون پیوند دهنده ادبیات، دین و تاریخ در فرهنگ ایرانی - اسلامی است که با بهره‌گیری از نظام عددی ابجدی (حساب جمل)، رویدادهای تاریخی را در قالب عبارات، اشعار یا آیات قرآنی و احادیث نبوی به‌گونه‌ای هنرمندانه و ماندگار ثبت می‌کند. برخی ریشه‌های این فن را در حروف مقطعه قرآن جست‌وجو کرده‌اند و به‌سبب پیوند این فن با کلام الهی، جایگاهی مقدس برای آن قائل شده‌اند. هنگامی که ماده تاریخ با آیات قرآن همراه شود، کارکردی فراتر از یک بازی عددی پذیرفته و به تفسیری معنوی از تاریخ تبدیل می‌گردد. شاعر یا مورخ با دقتی خاص، آیه‌ای را انتخاب می‌کند که از نظر معنایی مرتبط با رویداد و به لحاظ عددی منطبق با سال وقوع حادثه باشد. پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مبانی نظری موضوع، نمونه‌های تاریخی و کارکردهای زیبایی‌شناختی این فن را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد استفاده از آیات قرآنی در ماده تاریخ‌سرایی، علاوه بر مشروعیت بخشی به وقایع تاریخی، باعث افزونی بُعد قدسی آن گشته و به نوعی در ثبت فتوحات، ساخت بناها، فعالیت‌های فرهنگی و وفیات عالمان و سایر موارد نقشی اساسی ایفا می‌نماید؛ همچنین در آثاری چون مواد التواریخ و نخبه التواریخ نمونه‌هایی از کاربرد آیات برای تبیین مفاهیمی چون نصرت، رحمت، آبادانی و عبرت‌آموزی ارائه شده‌است، این مقاله نشان می‌دهد که قداست، بلاغت و ژرفای معنایی آیات قرآن، آن را به غنی‌ترین منبع برای ماده تاریخ‌سرایی در فرهنگ اسلامی بدل کرده است؛ منبعی که نه تنها تاریخ را ثبت می‌کند بلکه در پرتو حکمت الهی پیوندی ابدی میان جهان مادی و عوالم معنوی برقرار ساخته و به این فن ارزش و معنایی دو چندان می‌بخشد.

**کلیدواژه‌ها:** آیات قرآن، ماده تاریخ گویی، بلاغت قرآنی، پیوند معنوی، تاریخ‌نگاری.

<sup>۱</sup>. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، تهران، ایران.  
seyedmorteza.hosseini@iaui.ac.ir

<sup>۲</sup>. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، تهران، ایران.  
Re.zaghojeh@iaui.ac.ir

<sup>۳</sup>. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، تهران، ایران.  
shvaghefzadeh@iaui.ac.com

## مقدمه

موضوع عمیق و چند وجهی رابطه هنر و دین، به‌ویژه در بستر فرهنگی ایران و اسلام، از دیرباز مورد توجه هنرمندان و پژوهندگان بوده است. این پیوند، نه تنها در معماری، نقاشی و موسیقی، بلکه در ادبیات و به خصوص در فنّ مادّه‌تاریخ‌سرایی به شکلی برجسته نمود یافته است. مادّه‌تاریخ‌سرایی، فنّی ادبی است که در آن، شاعران مورّخ و مورّخان شاعر، با استفاده از ارزش عددی حروف الفبا و بر اساس نظام کهن ابجدی، عبارتی خلق می‌کنند که مجموع عددی آن با سال وقوع رویدادی تاریخی همخوانی داشته باشد. این فن، به‌ویژه هنگامی که با آیات قرآنی آمیخته شود، به شاهکاری ادبی و معنوی تبدیل می‌گردد. این مقاله به بررسی این پدیده می‌پردازد که چگونه یک فنّ ادبی پیچیده با متنی مقدس پیوند خورده است، دلایل و کارکردهای این پیوند چیست و ابعاد فلسفی و هنری آن کدام است؟

مادّه‌تاریخ‌سرایی، پیش از این که یک بازی زبانی همراه با محاسبات ذهنی باشد، راهی برای جاودانه‌ساختن رویدادها و حوادث روزمره است. اما شاعران و ادیبان ایرانی با بهره‌گیری از آیات قرآنی، به رویدادهایی مانند درگذشت یک عالم، فتوحات به دست آمده در جنگ‌ها یا ساخت و مرمت عمارات و ... عمقی نامتناهی و قداستی ویژه بخشیده و این رویدادها را در چارچوبی معنوی و الهی انعکاس می‌دهند. انتخاب آیات قرآنی به‌عنوان عبارت تاریخ، نشان‌دهنده ارتباط ناگسستنی فرهنگی و معنوی جامعه ایرانی با این کتاب آسمانی است. همچنین اثر ادبی آمیخته با کلام نور، به دلیل جایگاه والای این کتاب در فرهنگ اسلامی، سخن را از گزارش صرف تاریخی به محملی برای تأمل در باب حکمت الهی و نهایتاً سرنوشت و جایگاه انسان در نظام هستی تبدیل می‌نماید.

دلایل این پیوند، از چند بُعد قابل بررسی است؛ نخست از منظر فردی و شخصی، تاریخ‌سرایی قرآنی به گویندگان اجازه می‌دهد تا اثر خود را به منبعی الهی متصل نموده و از این طریق، به آن مشروعیت و ارزشی متعالی ببخشند، دیگر این که شاعران با تقلید و بهره‌گیری از ظرافت به کار رفته در آیات، خلاقیت و مهارت ادبی خود را به نمایش بگذارند؛ زیرا یافتن آیه‌ای که هم از نظر معنایی با رویداد مرتبط باشد و هم از نظر عددی با سال آن همخوانی داشته باشد، نیازمند انس با قرآن، مهارت در قرائت، تدبّر در آیات، خلاقیت ذهنی و دانش به کارگیری است و سوم این که فن تاریخ‌گویی به‌عنوان ابزاری برای آموزش و انتقال مفاهیم دینی عمل می‌کند؛ آیات انتخاب‌شده اغلب حاوی پیام‌های اخلاقی یا فلسفی هستند که

خواننده را به تفکر و اندیشه در معنای عمیق‌تر رویداد دعوت می‌کند. بر این اساس گوینده تاریخ، نقش مبلغ دینی و مذهبی را بر عهده می‌گیرد.

از منظر فلسفی، ماده تاریخ‌سرایی با استفاده از آیات کلام نور، پلی میان امری ناسوتی با فضایی لاهوتی ایجاد می‌کند. این فن، رویدادهای جاری را به مفاهیمی متعالی؛ مانند قضا و قدر، حکمت الهی و نظم کیهانی مرتبط می‌سازد. از نظر هنری نیز، این روش، نمونه‌ای درخشان از تلفیق فرم و محتوا است؛ شاعر نه تنها باید به جنبه‌های زیبایی‌شناختی اثر توجه کند، بلکه باید معنای عمیق دینی را در قالب کلمات به دیگران منتقل کند. این پیوند، به‌ویژه در ادبیات پارسی که همواره با معنویت و عرفان آمیخته است، به آفرینش آثاری منجر می‌شود که هم از نظر ادبی و هم از نظر معنوی، تأثیرگذار و ماندگار هستند.

در نهایت، ماده تاریخ‌سرایی قرآنی، نمادی از هماهنگی میان هنر، دین و فرهنگ در ایران اسلامی است. این فن نشان می‌دهد که چگونه ادیبان ایرانی با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی و دینی، توانسته‌اند رویدادهای تاریخی را به آثاری تبدیل نمایند که علاوه بر وظیفه اطلاع‌رسانی، الهام‌بخش و تأمل‌برانگیز هم باشند. این سنت، گواهی بر غنای فرهنگی و توانایی خلاقانه ایرانیان در تلفیق هنر و معنویت بوده و به عنوان موضوعی جذاب برای پژوهش‌های ادبی و دینی باقی خواهد ماند.

### ابجد: از الفبا تا حساب جُمَّل

أَبْجَد، اولین کلمه از هشت کلمه‌ای است که اعراب برای مرتب کردن حروف الفبای خود ساختند. این کلمه، که از ترکیب چهار صامت اول الفبای سامی - عربی (ا، ب، ج، د) تشکیل شده، مجازاً و من باب اختصار به کل الفبای عربی اطلاق می‌شود که به ترتیب زیر تنظیم شده است: أَبْجَد، هَوَز، حُطٰی، کَلَمَن، سَعْفَص، قَرَشَت، ثَخَد، ضَطَغ.

این ترتیب کهن، از طریق زبان آرامی و خط نبطی به زبان عربی راه یافته است. شش کلمه اول این مجموعه براساس ترتیب الفبای فنیقی ساخته شده درحالی که دو کلمه آخر مخصوص زبان عربی هستند (ر.ک: آذرنوش، ۱۳۷۴).

اعراب نیز مانند یونانیان، برای هر یک از حروف الفبا ارزشی عددی قائل بودند که به آن حساب جُمَّل می‌گویند. (ذوالقدر، ۱۳۷۶: ۲-۳) این روش، نوعی استفاده از حروف به عنوان نشانه اعداد بوده و در علوم؛ مثل نجوم، محاسبات و علوم غریبه رواج داشته است (ر.ک: بوعلی سینا، ۱۳۳۱).

حروف ابجد و اعداد مربوط به آن‌ها همچنین در ساختن ماده تاریخ و معما استفاده می‌شود. گویندگان فن ماده تاریخ، با انتخاب کلمات یا عباراتی که مجموع ارزش عددی حروف آن‌ها برابر با سال وقوع یک رویداد باشد، تاریخ را بیشتر به صورت شعری ثبت می‌نمایند؛ برای مثال، رقم حاصل از مجموع حروف کلمه «علی» (ع=۷، ل=۳۰، ی=۱۰) برابر با عدد ۱۱۰ است که می‌تواند بخشی از یک سال هجری باشد. این روش علاوه بر دقت ریاضی، نیازمند مهارت ادبی نیز هست تا گوینده بتواند عبارتی با معنی و متناسب با مضمون متن انتخاب کند.

### پیشینه پژوهش

ماده تاریخ‌سرایی، یکی از ظریف‌ترین و زیباترین جلوه‌های ادبی در فرهنگ ایرانی - اسلامی است که در آن شاعران، ادیبان و مورخان با استفاده از نظام محاسباتی ابجدی، تاریخ وقایع را در به صورت کلمات و عباراتی منظوم یا منثور ثبت می‌کنند که ارزش عددی حروف آن‌ها با سال رویداد مطابقت دارد (ر.ک: بیدهندی، ۱۳۷۰). ابزار اصلی این فن، «حساب ابجد» است که در آن هر حرف از الفبای عربی ارزش عددی خاصی از ۱ تا ۱۰۰۰ دارد. این نظام، که ریشه در محاسبات نجومی پیش از اسلام دارد، پس از ظهور اسلام در میان ادیبان و دانشمندان رایج گشت. ماده تاریخ‌سرایی، فراتر از یک ترفند عددی، پیوندی عمیق میان هنر، دین و فرهنگ ایجاد می‌کند. شاعران با انتخاب عبارات یا آیات قرآنی مرتبط با موضوع، به رویدادهایی؛ مانند درگذشت علما، ولادت افراد، تعمیر و ساخت ابنیه یا پیروزی در جنگ‌ها و ... قداست و معنایی ویژه می‌بخشند. این عبارات، اغلب به دلیل فشردگی و زیبایی، هم تاریخ را حفظ می‌کند و هم تأملی فلسفی در باب حکمت الهی و سرنوشت انسانی ارائه می‌دهند (ر.ک: صدیقی، ۱۳۷۸: الف - ب). برخی منابع پیشینه این فن را در حروف مقطعه و آیاتی همانند «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا» (هود/ ۵۶) دانسته و کلمه هود را از آن استخراج نموده‌اند (ر.ک: رضوانی، ۱۳۴۱). اما برخی محققان، رواج گسترده ماده تاریخ را به حدود قرن پنجم قمری و شاعرانی؛ چون مسعود سعد سلمان نسبت می‌دهند. انوری ابیوردی نیز در قرن ششم از پیشگامان این فن بود، حتی اشاراتی به استفاده حکیم فردوسی از ترفندهای عددی در شاهنامه وجود دارد که نشان‌دهنده پیشینه این فن پیش از تثبیت آن به عنوان یک صنعت ادبی است (ر.ک: نخجوانی، ۱۳۴۳: هـ.و). این سیر تکاملی، از کاربردهای نجومی به یک فن ادبی، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات پارسی به شمار می‌آید.

این فن به طور گسترده از قرن هفتم هجری رواج یافته و علاوه بر کاربردی ابزاری برای حفظ تاریخ دقیق وقایع، راهی برای افزودن عمق معنوی و زیبایی ادبی به رویدادهای تاریخی

محسوب می‌شود. ماده تاریخ‌سرا، با تبدیل ارقام فرّار ریاضی به عبارات ماندگار، از تحریف تاریخ جلوگیری کرده و آن را به شکلی زیبا و به‌یادماندنی ثبت می‌کند (ر.ک: ذاکری، ۱۳۷۹). از دیگر اهداف این فن، علاوه بر انتقال مفاهیم فرهنگی و دینی و تبیین تاریخ رویدادها، شهرت‌گوینده آن‌ها است. تاریخ‌گو، شرح مآوَقع را در چند کلمه، یک مصرع یا نهایتاً یک بیت، همراه با تخلص خود بیان می‌کند. اما بسیاری از مواد التواریخ فاقد مشخصات گوینده آن است، این موضوع (ناشناس بودن گوینده) از ویژگی‌های برجسته و مشترک میان عبارات محتوی تاریخ، ضرب‌المثل‌ها و تصانیف عامه است و حتی کلیت این فن نیز امروزه مغفول مانده و مورد بی‌مهری پژوهشگران قرار گرفته و بسیاری از خواص نیز از ظرفیت‌های هویتی و زیبایی‌شناختی آن غافل مانده‌اند.

### تأثیرات کلام الهی بر علوم ادبی

جلوه‌های اعجاز قرآن بی‌شمار بوده و دارای وجوه مختلفی اعم از اعجاز هنری، ادبی و بلاغی است، هر یک از این وجوه، مؤلفان، مفسران و پژوهشگران بسیاری را در طول زمان به خود مشغول داشته و آنان را وادار نموده تا در سطور و صفحات قرآن تأمل و تدبّر نمایند و ماحصل اندیشه خود را که قطره‌ای از دریای راز و رمزهای بی‌انتهای علوم قرآنی است، در قالب تألیفات؛ چون دلایل الاعجاز، اسرار البلاغه، جواهر البلاغه، معیار البلاغه و ... ارائه نمایند، اما برخی مسحور طرز بیان و شیوه بدیع آیات گشته و پس از الهام از این شیوه‌ها، ماحص برداشت خود را در قالب کتبی؛ چون ترجمان البلاغه، حقائق السحر، دقایق الشعر، قطوف الربیع و... منتشر نمودند، فی‌المثل فصولی از کتاب ترجمان البلاغه، مختص تبیین آرایه‌های «فی الترجمة، فی ترجمه الاخبار و الامثال و الحکمة، فی تقریب الامثال بالاخبار، فی معنی الایات بالابیات» است (رادویانی، ۱۳۸۰: ۲۰۱-۲۰۹). با گذشت زمان تأملات اندیشمندان، آفرینش آرایه‌های بدیعی لفظی و معنوی؛ چون تلمیح، اقتباس، عقد، درج، تضمین، تعمیم و... را به دنبال داشت (ر.ک: شمس‌العلمای گرکانی، ۱۳۷۷؛ هدایت، ۱۳۵۵؛ آقا سردار، ۱۳۶۲). بیشتر این صنایع ادبی پیوندی ناگسسته با آیات و سور قرآنی دارند. در این میان، اما جایگاه حساب جُمَل یا تاریخ شعری علی‌حده است و نظریات متفاوتی در باب نوع ادبی آن وجود دارد به گونه‌ای که گاه مبحث ماده تاریخ با معما، چیستان یا لغز با یک‌دیگر خلط شده‌اند، یاد آور می‌شود یکی از انواع معما، تعمیم‌های جُمَلی است که ریشه در حروف ابجدی و حساب جُمَل دارد. (ر.ک: صدیقی، ۱۳۷۸: ۲۰-۲۱)

### تأثیر قرآن بر شعر و نثر فارسی

ادبیات فارسی از آغاز پیدایش، پیوندی عمیق و تنگاتنگ با آموزه‌های قرآن داشت. این تأثیر، از زمان رودکی آغاز شده و در سیر تاریخی خود، به حدی گسترش یافت که برخی پژوهشگران معتقدند اگر قرآن را از ادبیات فارسی جدا کنیم، چیزی از غنای آن باقی نمی‌ماند. این ارتباط، پیش و بیش از آن که ظاهری باشد، ریشه در اعماق جهان‌بینی و اعتقادات سرایندگان و نویسندگان دارد. تأثیرپذیری ادبا از آیات قرآنی، به‌ویژه از قرن ششم هجری به بعد، با ظهور مکاتب عرفانی و شاعران بزرگی؛ همچون سنایی، نظامی، عطار و مولوی، ابعادی گسترده‌تر یافت. شاعران عارف، کاربرست آیات قرآنی را از مفارحات خود محسوب نمی‌کردند بلکه آن را به عنوان منبع اصلی الهام و هسته مرکزی نظام فکری خود در نظر گرفتند؛ فی‌المثل اشعار مولانا در مثنوی، چنان با مفاهیم قرآنی تنیده شده که آن را مصحف ثانی و قرآن پارسی نامیده‌اند. این تغییر رویکرد از «تأثیر ظاهری» به «تأثیر بنیادین»، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات ایران است و نشان‌دهنده آن است که چگونه متنی مقدس، می‌تواند جایگاهی فراتر از مرجعی ادبی کسب نموده و زمینه‌های فکری و محتوای آثار ادبی را فراهم آورد.

### کارکردهای معنوی و زیبایی‌شناختی

دلیل استفاده از آیات قرآن و سایر احادیث و روایات در متون ادبی، علاوه بر زیبایی‌های لفظی، کارکردهای معنوی و زیبایی‌شناختی متعدد آن است. از مهم‌ترین این کارکردها، افزایش قداست و اعتبار متون است. استفاده از آیات الهی، «حرمت و ارجمندی» اثر را افزون‌تر نموده و تأثیر کلام را در روح و روان مخاطبانی که به قرآن ارادت دارند، صد چندان می‌کند، مضاف بر این که نوشته از متنی ساده و بی‌روح، به اثری اخلاقی و تعلیمی اعتلا و ارتقا می‌یابد. نویسندگانی همچون وصاف‌الحضره که همشهری خواجه حافظ شیرازی است، با امتزاج آیات قرآن در تار و پود آثار خود از جمله رساله‌های بدیع‌الربیع و حکایت نرد و شطرنج (وصاف‌الحضره، ۱۳۹۶) و استفاده از آن‌ها در نقش‌های دستوری گوناگون؛ مانند فاعل، مفعول و متمم، تسلط خارق‌العاده خود را بر هر دو زبان فارسی و عربی نشان داده است. در این متون آیات قرآنی اغلب برای تأیید، تکمیل یا توضیح معنای جملات و عبارات به کار می‌روند و از این طریق به غنای معنایی اثر می‌افزایند. این رویکرد چند وجهی به قرآن، در سایر صنایع و فنون ادبی نیز مؤثر بوده و فی‌المثل ماده تاریخ‌سرایی را از یک تفتن ادبی، به صنعتی هنری و معنادار تبدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که هر رویداد تاریخی را می‌توان با جلوه‌ای از آن کلام نورانی، تفسیر و تأویل نمود.

## صنایع ادبی مرتبط با علوم قرآنی

آرایهٔ پرکاربرد عقد به همراه تلمیح، اقتباس، عقد، درج، تضمین و... از جمله صنایع لفظی و معنوی بدیعی است که ارتباطی تنگاتنگ با علوم قرآنی دارند، در تعریف آن نوشته‌اند: واژهٔ «عقد» ضدّ حل و به معنی بستن، گره زدن و محکم کردن است (همایی، ۱۳۸۹: ۲۳۳)، اما در اصطلاح بدیعی آن است که: «حدیث یا آیه یا مثل یا نثر دیگری را به رشتهٔ نظم آورند ولی نه به طریق اقتباس، مانند قول ابوالعتاهیه: مَا بَالُ مَنْ أَوَّلَهُ نُطْقَةً وَ جِيفَةً آخِرُهُ يَفْخَرُ، که آن را عقد کرده و به نظم در آورده از کلام امیرالمؤمنین علی(ع): مَا لَابْنِ آدَمَ وَ الْعُجْبِ وَ أَوَّلَهُ نُطْقَةً مَذْرُوءٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ» (آهی، ۱۳۵۷: ۲۷۳). همچنین نوشته‌اند: «در صنعت عقد سراینده، آیات قرآنی و سخن بزرگان را - که متناسب با موضوع انتخابی اوست - در سرودهٔ خود به کار می‌گیرد. سرایندگان مادهٔ تاریخ نیز از این صنعت به شیوه‌های خاص بهره‌مند گردیده‌اند. در این گونه تاریخ‌ها به واسطهٔ معروفیت آیات و عبارات و تمثیل‌ها از یک سو و از سوی دیگر به صورت تاریخ درآمدن آن جلوه‌ای دیگر یافته است و این موضوعی نبوده است که تنها در یکی دو سدهٔ اخیر در کلام سرایندگان و نویسندگان بروز کرده باشد؛ بلکه پیشینهٔ آن به زمانی باز می‌گردد که حساب جُمَلِ نقشی هنری - ادبی و ادبی - هنری در شعر و ادب فارسی پیدا کرده بود» (صدری، ۱۳۷۸: ۸۵). ناگفته پیداست سایر آرایه‌ها وجوه تمایز و تشابهی دارند که پژوهش‌های ذی‌ربط بدان پرداخته‌اند (ر.ک: رضایور، ۱۴۰۴: ۱۶۱ - ۱۹۰).

## فنّ مادهٔ تاریخ و آیات قرآن

### منطق پیوند: از عدد تا مفهوم

انتخاب آیه‌ای از قرآن برای ساخت عبارت تاریخ، عملی تصادفی نیست، مسلماً تاریخ‌سرا، برای یافتن آیه‌ای که علاوه بر تطابق عددی به لحاظ مفهومی نیز با واقعه مرتبط باشد، متحمل رنجی فراوان شده و اوقات زیادی را مصروف این عمل نموده است. فرآیند یافتن آیهٔ مناسب و مطابق با موضوع، حلال این چالش ادبی است، مادهٔ تاریخ‌گویی بدون کاربست کلام الهی یک بازی عددی نازل است، اما پیوند آن با آیات قرآن، فی‌الواقع دمیدن روح و معنا در کالبد اثر است. به عنوان مثال، اگر برای تاریخ فوت عالمی، آیه‌ای با محتوای مرگ و معاد انتخاب شود، سرودهٔ صرفاً تاریخ‌دار، به «تأملی فلسفی» دربارهٔ وعده‌های الهی و پایان زندگی تبدیل می‌گردد. این فرآیند، از یک فنّ ادبی صوری، محتوایی عمیق با مضامینی دینی خلق می‌کند.

## کارکرد تاریخی - فلسفی آیات قرآن

از دیگر جلوه‌های قرآن مجید، رویکرد تاریخی آن است. محتوای ربعی از آیات، تبیین مسائل تاریخی، ذکر سرگذشت اقوام سلف و سنت‌های الهی حاکم بر جوامع است. هدف اصلی قرآن از این موضوع، علاوه بر ثبت وقایع و حوادث اقوام و ملل ماضی، پرداختن به جنبه «عبرت‌گیری» و «هدایت» انسان‌ها است. تمثیلات و قصص قرآنی فقط برای سرگرمی نوع بشر نیست، این روایات به انسان‌ها کمک می‌کنند تا با تکیه بر قوه ادراک و تعقل خود، واقعیت‌ها را تحلیل نموده و نهایتاً از تجارب پیشینیان درس بگیرند. اما شاعران و نویسندگان با کاربرد آیات قرآنی در صنعت تاریخ‌سرایی، عملاً این هدف قرآنی (عبرت‌گیری از تاریخ) را با هدف غایی سرایش اشعار ادبی (ماندگاری یک واقعه) ترکیب می‌کنند. محصول این پیوند، تشکیل «فلسفه تاریخ» بومی است که در آن، هر رویداد تاریخی، هم با نور کلام الهی ثبت می‌شود و هم بدین وسیله تفسیر و تأویل می‌گردد. این هم‌افزایی کارکردی، نشان می‌دهد که ادیبان، تاریخ را فراتر از یک رشته از وقایع تصادفی محض دانسته و در هر رویدادی، تجلی اراده و حکمت الهی را جستجو می‌نمایند. نمونه‌های فراوانی از این دست در جای‌جای کتب ویژه مواد التواریخ مندرج است (ر.ک: بیل، ۱۳۹۷؛ دبیرسیاقی، ۱۳۹۰؛ نخجوانی، ۱۳۴۳).

### نمونه‌های شاخص استفاده از آیات در ماده تاریخ سازی

برای تاریخ‌گویی و تاریخ‌سازی، شیوه‌ها و گونه‌های متعددی بیان شده است. فی‌المثل سیدمحمد دبیرسیاقی، موادالتواریخ را تا یازده گونه طبقه‌بندی نموده و کتاب خود را با عنوان «ماده تاریخ با گونه‌های یازده گانه منظوم و منثور از آغاز تا پایان قرن چهاردهم هجری» نام‌گذاری نموده است (دبیرسیاقی، ۱۳۹۰).

### وفات و ولادت

از رایج‌ترین کاربردهای موادالتواریخ قرآنی، ثبت تاریخ وفات بزرگان و اندیشمندان است. برای این منظور، آیاتی که به مفهوم مرگ و معاد اشاره دارند، مناسب می‌نماید. انتخاب آیاتی از این دست، فراتر از یک تطبیق عددی بود و به مرگ افراد، معنای عمیق عرفانی و دینی بخشیده و به صورت تلمیحی، ایمان راسخ اشخاص در لحظه مرگ و وعده ورود به بهشت را تبیین می‌نماید. این کاربرد استعاری، نشانه توانایی شاعر در خلق لایه‌های معنایی چندگانه است. فی‌المثل مؤلف رشحات عین‌الحیات (واعظ کاشفی، ۱۳۳۶: ۱/ ۲۸۲)، تاریخ وفات خاتم الشعرا عبدالرحمان جامی را این‌گونه ثبت نموده است:

جامی که بود مایل جنت قرار یافت      فی رَوْضِهِ مَخْلَدُهُ أَرْضُهَا أَلْسَمًا  
کلک قضا نوشت روان بر در بهشت      تَارِيخُهُ «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»=۸۹۸  
«وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (ال عمران/۹۷)، «أَمِنًا، یعنی مأمن، امن گاه تا هر که آن جا باشد ایمن بود» (ابوالفتح رازی، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۴۵)؛ شاعر با در نظر گرفتن معنی واژه امن، جامی را هم در دنیا و هم در آخرت، فارغ از هر غم و اندوه دنیوی و اخروی دانسته و امنیتی ابدی برای او خواستار است. نورالدین عبدالرحمان جامی به مناسبت وفات فرزندش، ظهیرالدین عیسی، قطعه سه بیتی زیر را سروده است:

فرزند ظهیرالدین پنجم ز محرم      در منتصف ظهر شد آرام دل ما  
جز ذلک عیسی نشد از غیب اشارت      جستیم چو نامش ز رقم نامه اسما  
ملفوظ ز عیسی چو شمارند، نه مکتوب      تاریخ ولادت بودش «ذَلِكَ عِيسَى»=۸۹۱  
(جامی، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۵)

شاعر بخشی از آیه «ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ» (مریم/ ۳۴) را برای ثبت تاریخ فوت فرزندش، مناسب یافته است، وی ضمن استفاده از اسم «ذَلِكَ» برای اشاره به طفل خردسال محبوبش، تلویحاً عظمت مقام حضرت عیسی نیز را نیز خاطر نشان می‌سازد. همچنین در بیت آخر متذکر می‌شود که برای به دست آوردن رقم صحیح تاریخ، لازم است تا معادل عددی صورت ملفوظ واژه عیسا (=۱۴۱) را به حساب ابجد بشمارند تا رقم ۸۹۱ به دست آید، اما اگر شکل مکتوب کلمه عیسی (۱۵۰) محاسبه شود، عدد غیر صحیح ۹۰۰ حاصل خواهد شد. نکته این است که جامی برای به دست آوردن رقم تاریخ، برخلاف قاعده مهم «كَمَا يَكْتَبُ، يَحْسَبُ» عمل نموده قاعده‌ای که تأکید دارد «در تاریخ (یعنی محاسبه حروف عبارات تاریخ) کتابت را اعتبار است نه سماع و قیاس و تلفظ را» (خلیل احمد، ۱۳۳۷: ۴). سراینده‌ای تاریخ رحلت عالم عارف میر سیدعلی همدانی را در قرن هشتم قمری، در این دو بیت ماندگار کرده است (درخشان، ۱۳۷۴: ۸۶).

حضرت شاه همدان کریم      آیه رحمت ز کلام قدیم  
گفت دم آخر و تاریخ شد      «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»=۷۸۶

ذکر آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم»، هنگام احتضار تبیین کننده فصل جدید از حیات است، تو گویی مرگ از نظر این عارف نوعی هستی است. کاربست آرایه پارادوکس مرگ شروعی دوباره است، یادآور این موضوع است که برگی جدید بر اوراق دفتر زندگانی حضرت شاه

همدان افزوده شده است. ملا هلاکی تاریخ شهادت میرمحمدیوسف صدر (مق ۹۲۷ هـ. ق) وزیر شاه اسمعیل اول صفوی را بدین صورت سروده است:

چون میر محمد خلف آل عبا      از دار فنا رفت سوی دار بقا  
تاریخ شهادتش رقم کرد قضا:      «وَاللَّهُ شَهِيدٌ هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى» ۹۲۷

(نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲/ ۶۸۴)

زنده بودن حیات پس از مرگ در مصرع چهارم، برخی آیات را به ذهن متبادر می‌کند از جمله «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتَ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/ ۱۶۹). با توجه به فحوای آیه شاعر انتقال میرمحمد به دنیای دیگر را سرآغازی برای حیات دوباره او قلمداد نموده است، گویا سرنوشت (استعاره مکنیه نوع دوم یا تشخیص) این گونه رقم زده است که «وَاللَّهُ شَهِيدٌ هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى». این قطعه به لحاظ مضمون همانند اشعار فوق است. از نمونه‌های شاخص استفاده از آیات در ماده تاریخ‌سازی، آیه «لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (کهف/ ۱۰۷) است که فردی بعد از محاسبه با حروف ابجد، آن را مناسب درگذشت شیخ میان وجیه‌الدین گجراتی (ف ۹۹۸ هـ. ق) از علمای برجسته هندی یافته است، ابیات قبل و بعد از عبارت تاریخ و فردی که این آیه را یافته است، نامشخص است (جعفرحلیم، ۱۳۷۱: ۹۷-۹۸). گوینده تاریخ با توجه به معنی آیه و کاربرد واژه «الْفِرْدَوْسِ»، به معنی باغی که همه نعمت‌ها و تمام مواهب لازم در آن جمع باشد، جایگاه متوفی را در باغ بهشت پیش‌بینی نموده است. جملات فعلی دعایی در تاریخ‌سازی کاربرد فراوانی دارد، میر رفیع‌الدین حیدر معمایی طباطبایی کاشانی به مناسبت تولد دو نوزاد (۹۸۷ و ۹۸۹ ق) سلطان محمدشاه صفوی، قطعه تاریخ‌دار دوازده بیتی سروده و درمقطع دو عبارت فعلی دعایی «مُدَّ ظِلُّهُ أَبَدًا» و «دَامَ ظِلُّهَا أَبَدًا» را استفاده کرد (تقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷).

... بهر تاریخ آن در تابان      وز پی سال این در یکتا  
ثبت شد: «مُدَّ ظِلُّهُ أَبَدًا» ۹۸۷      شد رقه - م: «دَامَ ظِلُّهَا أَبَدًا» ۹۸۹

(تقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷)

عبارت فعلی مصرع سوم برگرفته از آیه قرآن است (فرقان/ ۴۵). کاربرد آیه و عبارت عربی مصرع چهارم، علاوه بر نشان دادن شأن و رتبه نوزادانی که تولدشان مایه برکت برای همه مردم است، تداعی کننده اعتلای کلام شاعر است. نمونه‌های بسیار از این دست در کتاب

«مواد التواریخ» یافت می‌شود، فی‌المثل «تاریخ وفات حاج سیدمحمد شفیع بن حاج سیدعلی - اکبر موسوی النسب بروجردی را که از علما و فقهای امامیه قرن سیزدهم هجری بود، شیخ محمد دزفولی این‌گونه سروده است:

- برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی / بگوش من ندا آمد / «فمنهم من قضی نحبه» = ۱۲۷۰ (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۲۱۹)

مصرع دوم بخش از آیه قرآنی (احزاب/ ۲۳) است. واژه «نَحْبُ» در این‌جا به معنی نذر و عهد و پیمان است، «قَضَى نَحْبَهُ أَى مَاتَ» (صفی‌پور، ۱۳۸۹: ۴-۳/ ۱۲۳۱) یعنی: مرد در راه خدا کشته شد، گویی مرگ نذری بر گردن وی بود. این ماده تاریخ، مبین وفای به عهد صاحب تاریخ است. عبارت تاریخ در مقطع قطعه یازده بیتی استاد همایی از دیگر موارد استفاده از مضامین قرآنی برای تاریخ فوت افراد است، وی به مناسبت تاریخ فوت شیخ محمد صالح مازندرانی (همایی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۸۲-۱۸۳) و با استفاده از شیوه تعمیم به صنعت اداخل سروده است:

س - سال ف - فوت او هم - لایی سن - - ل  
حائری آورد سر در جمع و گفت  
جست و جو می کرد از اهل یقین  
رفت صالح در مقام صالحین = ۱۳۹۱

مضمون به کار رفته در عبارت تاریخ مأخوذ از آیه «رَبُّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء/ ۸۳) است، اما درباره حصول رقم تاریخ ذکر این نکته ضروری است که سر در جمع آوردن حائری، در این سروده تعمیم‌دار به معنای جمع کردن معادل عددی حرف «ح» کلمه حائری به حساب جُمْل با اجزا و عناصر عبارت تاریخ است که سراینده بدان تصریح نموده است (صدری، ۱۳۷۸: ۳۴۲).

### تاریخ بناها و وقایع

ثبت تاریخ ساخت بناها و حوادث مهم از دیگر موضوعات عمده در ماده تاریخ سرایی است. آیاتی که به خلقت و قدرت الهی و آبادانی زمین اشاره دارند، برای ساخت این مواد التواریخ مناسب هستند. کاربرد این دسته از آیات، باعث اعتلای عبارت تاریخ گشته و نوعی مشروعیت بدان می‌بخشند. اشعار بسیاری از این نوع در تراجم و تواریخ مذکور است از جمله: تاریخ گنبد و مأذنه مطلای بارگاه حضرت علی علیه‌السلام (۱۱۵۶ق) را که بانی آن نادرشاه افشار بود، چنین سروده‌اند:

وَ قَامَ مُؤَدِّنُ التَّأْرِیْخِ فِیْهِ یُکَرِّرُ أَرْبَعًا «اللَّهُ أَكْبَرُ» (۱۱۵۶)

(آل‌محبوبه، ۱۴۰۶ق: ۶۶/۱)

عبارت «الله اکبر = ۲۸۹» اگر چهار بار تکرار شود «۱۱۵۶ = ۴ × ۲۸۹»، سال تذهیب مأذنه حاصل می‌شود، این‌گونه تاریخ‌سازی را، «صنعت عقد» یعنی کاربرد آیات قرآنی و ادعیه در ماده‌تاریخ نامیده‌اند (صدری ۱۳۷۸: ۸۵-۹۰) چنان‌که مشتاق اصفهانی (ف ۱۷۱ق) هم تاریخ تذهیب آن را چنین به‌نظم کشیده:

شهنشاه عادل که نام تعدی      به عهد وی از صفحه دهر، حک شد...  
رقم کرد مشتاق تاریخ سالش      «ازین قبه قدر طلا بر فلک شد=۱۱۵۵»  
(مشتاق اصفهانی، بی‌تا: ۱۸۵)

بر پایه یکی از مناره‌های بارگاه هم ابیات زیر با رقم ۱۱۵۶ق درج شده که سراینده آن نامعلوم اما کاتب و یا قلمزن ابیات، «محمدجعفر» نامی است:

تعالی الله از این گلدسته فیض      که بر نه آسمان شد سایه‌گستر...  
بگفتا مقری طبع نواسنج      «تعالی شأنه الله اکبر=۱۱۵۶»  
(حرزالدین، ۱۳۸۵: ۴۰۶/۱)

مؤلف «تاریخ واژه‌های یزد»، ذیل عنوان «مجدد شد بنای بیت معمور» نوشته است: «در سمت راست در ورودی مدرسه علمیه خان، از بناهای محمدتقی خان، حاکم یزد، سنگ مرمر زیبا و خوش‌نمایی نصب شده که قطعه زیر سروده شاعری متخلص به «اسیر» روی آن نقش بسته است. آخرین مصرع این شعر بلند، ماده‌تاریخ بنای مدرسه بزرگ و با صفای خان است:

سریر آرای ملک‌حشمت و جاه‌سکندر      که افلاکش زمین بوسه‌یده از دور...  
اسیر از بهر تاریخش رقم زد      «مجدد شد بنای بیت معمور»=۱۱۸۶  
(شیرسلیمان، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۴)

عبارت «الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ» (طور/۴)، به معنی «خانه آباد» ترکیبی وصفی و نام خانه‌ای در آسمان چهارم یا هفتم، مُحاذی خانه کعبه است که فرشتگان در آن جا همواره مشغول عبادت و طواف‌اند. بیت‌المعمور مکانی است که خداوند بدان قسم خورده است (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۹/ ۲۴۷). مؤلف کتاب نخبه‌التواریخ، در باب تاریخ خرابی اسلامبول از زلزله (۱۳۱۲ق) دو مصرع تاریخ‌دار زیر را یافته است:

گفت یک بیت به تاریخ دبیر      شرح اسلامبول از زلزله‌ها  
«بشد از زلزله باب عالی» (۱۳۱۲)      «شارح عالی‌ها سافدها» (۱۳۱۲)

(دبیر تفرشی، ۱۳۹۸: ۱۵۷)

ترکیب قرآنی «عالیه‌ها سافله‌ها» بخشی از آیه شریفه «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا» است (هود/ ۸۲)، این عبارت با واقعۀ زمین لرزه ویرانگر این شهر مناسبت تام داشته و ضمن به خاطر سپردن تاریخ حادثه، تأثیر خواننده را نیز برمی‌انگیزد. ساخت آب انبار نیز از دیگر اقدامات خیران بود. حاجی کریم یزدی در سال ۱۱۸۴ ق برکه‌ای در اطراف شهر یزد ساخت که رفیق اصفهانی تاریخ احداث آن را در مصرع آخر قطعۀ هفت بیتي زیر منظوم نمود: شاعر این سازه را به حوض کوثر تشبیه نموده است:

۱. حاجی والا گهر حاجی کریم      آن که بندق گوه‌رش زیور به یزد...
- ساخت در یزد آب انباری کزان      تشنه‌کامان را شود لب تر به یزد...
۷. خواست تاریخش رفیق از پیر عقل:      عقل گفتا: «شد عیان کوثر بیزد» [۱۱۸۴]

(رفیق اصفهانی، بی‌تا: ۳۳ آ)

این شعر بر قطعه سنگی که تاریخ منظوم مورخ ۱۱۸۴ هجری دارد، بر آب انبار حاجی کریم در جوار مسجد محله بالا بنا شده است (افشارسیستانی: ۱۳۴۸: ۱/۱۰۰). واژه کوثر در عبارت تاریخ، یادآور آیه «إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» است (کوثر/ ۱). کوثر نه‌ری در بهشت است که همه نه‌رها از آن سرچشمه می‌گیرند و گفته شده مراد خیر کثیری است که خداوند به رسول خود عطا فرمود (راغب، ۱۳۹۰: ۶۷۲).

### رویدادهای سیاسی و اجتماعی

برخلاف مورخان سنتی که تاریخ را با محوریت پادشاهان و قدرت‌ها ثبت می‌کنند، قرآن با رویکردی متفاوت، تاریخ را برای عبرت‌گیری و درک سنت‌های الهی حاکم بر جوامع بیان می‌کند. شاعران و نویسندگان، با استفاده از آیات قرآن در ثبت اتفاقات سیاسی و اجتماعی، این وقایع را از رویدادی بی‌محتوا، به واقعۀ معناداری تبدیل می‌کنند تا جلوه‌ای از اراده الهی را همراه با تجربه عمیقی که در آن نهفته است، من‌باب تذکر به دیگران نشان دهند. این نوع ماده تاریخ‌سرایی، نوعی «فلسفۀ تاریخ» را به نمایش می‌گذارد که در آن، هر پیروزی یا شکستی، نشانه‌ای از تقدیر الهی و باز خورد اعمال انسان‌ها در چند روزه حیاتشان است.

از جمله این موارد، توبۀ شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۱۹ ق) است که در تذکره‌ای که شاه به قلم خودش نوشته است این چنین مسطور است: «...شب در واقعه دیدم که در بیرون پنجره، پایین حضرت امام الضامن امام رضا علیه الفالف التحیه و الثنا، دست سیادت پناه میرهادی محتسب را گرفته، از شراب و زنا و جمیع مناهی توبه کردم ... و در سن بیست سالگی این سعادت نصیب شد» (شاه طهماسب، ۱۳۶۳: ۳۰). مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی،

ضمن درج سال واقعه، ذکر کرده است: «در سنة تسع و ثلاثین و تسعمائة [۹۳۸] که نه سال از جلوس همایونش گذشته بیست ساله بود که زبان صدق بیان به کلمه طیبه توبوا الی الله گویا ساخت و عن صمیم القلب از جمیع مناهی توبه کرده... و در سنه ثلاث و ستین و تسعمائة [۹۶۳]، امراء عظام و ملازمان عتبه اقبال از... ارتکاب امور نامشروع ممنوع شدند، از غرایب حالات «توبه نصحوا» موافق تاریخ آمد. تاریخ

سلطان کشور دین طهماسب شاه عادل سوگند داد و توبه خیل سپاه دین را تاریخ توبه دادن شد «توبه نصحوا» (۹۶۳) سر الهی است این منکر مباش این را (ترکمان منشی، ۱۳۱۴ق: ۹۴)

«نصح به معنای اخلاص و یا محکم بودن و استوار بودن توبه است» (راغب، ۱۳۹۰: ۷۷۷) و نصح به معنی بی‌امیغ و خالص و از دل می‌باشد، مأخوذ از آیه شریفه «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ» (تحریم/۸) و سپس در مخیلة عامیان، نصح نام مردی شده است و برای او حکایتی طویل ساخته‌اند «دهخدا، ۱۳۸۸: ۱ / ۵۵۹». این داستان در مثنوی معنوی، تذکرة الاولیا، مرصادالعباد و برخی کتب دیگر، ذکر شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۶ / توبه نصح). مجموع عددی حاصل از ترکیب اضافی «توبه (توبت) نصح» در حساب ابجدی برابر با رقم ۹۶۳ است که با تاریخ واقعه مطابقت دارد. از موارد قابل ذکر دیگر در باب زندگانی شاه طهماسب اول (حک ۹۸۴-۹۳۰ ق) پیمان صلح آماسیه است (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۲ / ۸۲۵-۸۲۹)، قاضی عطاءالله ورامینی بدین مناسبت قطعه پنج بیتی سرود و در مصرع آخر «الصلح خیر = ۹۶۹» را به عنوان عبارت تاریخ واقعه ذکر نمود. ابیاتی از این قطعه:

از پی آسایش خلق جهان خسرو جم قدر و شه کامران  
صلح نمودند بهم اختیار شد ز میان جنگ و جدل بر کنار  
منه‌ی اقبال در این کهنه دیر غلغله انداخت که «الصلح خیر»

(منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۳۳)

عبارت «الصلح خیر»، بخشی از آیه «أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» است (نساء/ ۱۲۸)، که علاوه بر قداست کلام به خیریتی که در این موضوع نهفته اشاره دارد. از موارد دیگر مرتبط، تاریخ گریختن سوای مقهور از حضور حافظ هدایت‌الله در سال (۱۰۷۷ق) است که سراینده موضوع را با آیه «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر/ ۳) بیان می‌کند. آیه به ناکامی دشمن اشاره دارد (خلیل احمد، ۱۳۳۷: ۱۲). همچنین به مناسبت غارت خانه نظام‌العلماء (۱۳۱۶ق) که توسط جمعی

اوباش انجام گرفت، این آیه را مناسب یافتند: «لاغوينهم أجمعين» (حجر/۹۲) این بخش از آیه ضمن توصیف گوشه‌ای از حادثه، همراه بودن جمع اراذل را نیز به ذهن متبادر می‌کند (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۴۵۶).

### فعالیت‌های فرهنگی و علمی

استفاده از آیات قرآنی برای ثبت وقایع فرهنگی و علمی، بیانگر جایگاه والای دانش و علم در فرهنگ اسلامی است. گویندگان با انتخاب آیاتی، که به مفاهیمی همچون آموزش، دانش و حکمت اشاره دارد، به دستاوردهای علمی و فرهنگی، مشروعیت الهی می‌بخشیدند. این رویکرد، فعالیت‌های فکری و هنری را فراتر از یک عمل صرفاً انسانی فراتر برده و آن را با امری مقدس پیوند می‌زند. از جمله این تواریخ، قطعه بیست بیتی صباحی بیدگلی است که به مناسبت کتابت نسخه‌ای از قرآن مجید با عبارت تاریخ ۱۱۹۸ ق سرود، کاتب نسخه میرزا هاشم نسخ نویس است، این قرآن به سفارش عبدالرزاق خان تحریر شد.

|                          |                              |
|--------------------------|------------------------------|
| عبدالرزاق خان که جودش را | دل اهل جهان رهین باشد...     |
| اثری خواست زو بماند و آن | چه به از مصحف مبین باشد      |
| میرزا هاشم آن که نقش خطش | ناسخ نسخه‌های چین باشد...    |
| گفت تاریخ این کلام‌الله  | «لوح محفوظ دویمین=۱۱۹۸» باشد |

(صباحی بیدگلی، ۱۳۹۲: ۲۳۲)

کتابت مصحف شریف، نوعی اقدام فرهنگی است و ساختن عبارات تاریخ به مناسبت اتمام تحریر کلام الهی و سایر کتب علمی و دینی از قدیم‌الایام رایج بود. برخی «ماده تاریخ‌هایی که در تألیف کتب یا طبع آن‌ها گفته‌اند» در مواد التواریخ (نخجوانی، ۱۳۴۳)؛ تاریخ واژه‌های یزد (شیرسلیمیان، ۱۳۸۸)؛ مفتاح التواریخ (بیل، ۱۳۹۷) و تذکره التواریخ (کابلی، ۱۳۹۲) مندرج است.

عبارت تاریخ صباحی بیدگلی شباهت بسیاری دارد به عبارت «بود این لوح محفوظ دویم =۱۲۲۳» که صبا کاشانی به مناسبت تاریخ اتمام کتاب احسن التواریخ منظوم نموده است (ساروی، ۱۳۷۱: ۳۱۵). میرحیدر معمایبی به مناسبت تاریخ اتمام تفسیر «سواطع الالهام» اثر فیض دکنی، رقم ۱۰۰۲ ق را از سوره اخلاص (بدون بسمله) برآورد، اعداد تمام حروف این سوره دقیقاً برابر با عدد ۱۰۰۲ می‌شود (صدری، ۱۳۷۸: ۸۸).

## فتوحات نظامی

در موضوع فتوحات نظامی نیز شاعران با انتخاب آیات مربوط به نصرت الهی، پیروزی در جنگ را به یک رویداد معنوی تبدیل می‌کردند که نتیجه یاری خداوند به مؤمنان بود. این عمل، فتوحات را از یک رویداد سیاسی و نظامی، فراتر برده و آن را به عنوان جلوه‌ای از حقانیت و برتری دین اسلام قلمداد می‌کند. تاریخی که میرزا عبدالوهاب محرم یزدی به مناسبت تاریخ فتح هرات و به شکل زیر سرود از این نمونه است:

|                            |                                 |
|----------------------------|---------------------------------|
| ناصر دین شه که بگاه نبرد   | فتح و ظفر دارد اندر رکیب...     |
| تاختن آورد بشهر هری        | کرد باسانی فتوحی عجیب...        |
| خواست چو تاریخش محرم ز عقل | بانگ بر او داد که هان ای لبیب   |
| گفته خدا از پی تاریخ آن    | «نصر من الله و فتح قریب» = ۱۲۷۲ |

(دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۱۳۲)

شاعر تاریخ فتح هرات (۱۲۷۳ق) را با آیه شریفه «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف/ ۱۳) ذکر می‌کند، این آیه مؤمنان را به یاری از جانب خداوند و پیروزی بر دشمنان در آینده نزدیک بشارت می‌دهد (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۱۳۲). همچنین تاریخ فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمدخان دوم را در عبارت قرآنی «بلدة [بلدت] طَیِّبَة = ۸۵۷» یافته‌اند. «از جمله تائیداتش یکی تسخیر استانبول است که دست تسلط هیچ پادشاهی بدان نرسیده بود و او آن بلده را در سال هشتصد و پنجاه و هفت جبراً و قهراً گرفت و یکی از فضلا تاریخ را «بلده طیبه = ۸۵۷» یافته و این فتح به تاریخ بیستم جمادی‌الاول روز سه‌شنبه سال هشتصد و پنجاه و هفت که مطابق بیست نهم مئه ماه انگریزی سنه یک‌هزار چهار صد و پنجاه و سه عیسوی بود، واقع شد» (بیل، ۱۳۹۷: ۳۲۱). سلطان بعد از تصرف شهر، کلیسای سنت صوفی را به مسجد اسلامی تبدیل نمود و بعد از این سلطان محمد فاتح نامیده شد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ۷۰۴/۲). عبارت «بلدة طَیِّبَة» نام شهر مکه است (راغب، ۱۳۹۰: ۱۰۰) همچنین بخشی از آیه «كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةَ طَیِّبَةٍ وَ رَبُّ غَفُورٌ» (سبأ/ ۱۵) است.

## نتیجه‌گیری

ماده تاریخ‌سرایان قرآنی، فنی است که رویدادهای تاریخی را با بلاغت بی‌نظیر آیات قرآنی و دقت عددی حساب ابجدی به شکلی هنرمندانه و در قالبی مقدّس، تلفیق و ثبت نموده و دست‌مایه آفرینش یکی از ظریف‌ترین صنایع ادبی در فرهنگ ایرانی - اسلامی می‌گردد. این دانش، علاوه بر این که ابزاری کاربردی برای ثبت و حفظ تاریخ قلمداد می‌شود، تلاشی آگاهانه برای تفسیر وقایع انسانی در پرتو حکمت و اراده الهی می‌شود. شاعران و نویسندگان با انتخاب آیاتی مانند «نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف/۱۳) برای فتح هرات (۱۲۷۳ق) یا «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران/۹۷) برای وفات عبدالرحمان جامی (۸۹۸ق)، نه تنها تاریخ رویدادها را ماندگار نمودند، بلکه آن‌ها را به نشانه‌هایی از سنن الهی و درس‌هایی برای عبرت‌گیری آیندگان تبدیل می‌کنند. این پیوند، رویدادهای زمینی را به مفاهیم متعالی مانند قضا و قدر الهی متصل نموده و به آن‌ها پوششی از قداست و ابدیت می‌بخشید. در نگاه قرآنی، تاریخ مجموعه‌ای میان‌تهی از وقایع ساده و بی‌هویت نیست بلکه منبعی برای تأمل و عبرت‌گیری انسان‌ها و آشکارکننده سنت‌های الهی حاکم بر جوامع است. ماده تاریخ‌سرای قرآنی، با تکیه بر این فلسفه، تاریخ‌نگاری را به ابزاری فنی برای الهی کردن سرنوشت انسانی بدل می‌نماید. این صنعت نشان می‌دهد که در فرهنگ ایرانی - اسلامی، هیچ رویدادی تصادفی یا بی‌معنا نیست، بلکه هر واقعه‌ای، اعم از وفات یک عالم تا فتح یک شهر، تجلی اراده الهی و حامل پیامی عمیق برای حال و آتی است. این رویکرد، ماده تاریخ را از یک بازی صرفاً زبانی به هنری معناگرا تبدیل می‌نماید که در آن ادبیات، دین و تاریخ در تعامل و هماهنگی سازنده و کامل با یکدیگر قرار دارند. با این حال، این سنت و رویکرد ارزشمند که در دوران صفویه به اوج خود رسید، با ورود به عصر مدرن و به تدریج رو به افول گذاشت. کاهش پیوند شاعران و نویسندگان با قرآن به‌عنوان منبع الهام، همراه با تحولات ادبی از نثر متکلف به نثر ساده و روزنامه‌نگاری در دوره قاجار، از مهم‌ترین دلایل زوال این رویکرد بود. این افول، نه تنها ذائقه‌ها و سلیق ادبی را تغییر داد، بلکه گسستی عمیق‌تر در پیوند میان منابع سنتی دانش با حکمت ایجاد نمود. با این وجود، مطالعه ماده تاریخ‌سرای قرآنی همچنان اهمیتی ویژه دارد؛ این سنت نه تنها بخشی از هویت فرهنگی و ادبی ایران اسلامی را تشکیل می‌دهد، بلکه می‌تواند الهام‌بخش احیای پیوند میان هنر و معنویت در قالب‌های مدرن باشد. ماده تاریخ‌سرای قرآنی، به‌عنوان میراثی فکری و هنری، یادآور توانایی بی‌نظیر ایرانیان در تلفیق زیبایی، دین و تاریخ است و مطالعه آن می‌تواند به درک عمیق‌تر هویت فرهنگی و تقویت پیوند با گذشته معنوی کمک نماید.

## منابع

۱. قرآن مجید
۲. آذرنوش. آذرتاش. (۱۳۷۴). «بجد». در: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۲. زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳. آقا سردار. نجفقلی میرزا. (۱۳۶۲). *دره نجفی*. تصحیح حسین آهی. تهران: فروغی.
۴. آل محبوبه. شیخ جعفر. (۱۴۰۶ ق). *ماضی النجف و حاضرها*. جلد ۱. بیروت: دارالاضواء.
۵. آهی. غلامحسین. (۱۳۵۷). *معانی بیان*. تهران: مؤسسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی.
۶. ابوالفتح رازی. حسین بن علی. (۱۳۷۶). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. ج ۲. مصحح: محمد جعفر یاحقی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۷. اعتمادالسلطنه. محمد حسن خان. (۱۳۶۴). *تاریخ منظم ناصری*. ج ۲. تصحیح محمد اسماعیل حاکمی. تهران: دنیای کتاب.
۸. افشار سیستانی. ایرج. (۱۳۴۸). *یادگارهای یزد*. جلد ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
۹. باقری بیدهندی. ناصر. (۱۳۷۰). «فنّ مادّه تاریخ نویسی». مجله آینه پژوهش. ش ۵۰. ۱۷-۲۰.
۱۰. بوعلی سینا. حسین بن عبدالله. (۱۳۳۱). *کنوز المعزمین*. تصحیح جلال الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
۱۱. بیل. توماس ویلیام. (۱۳۹۷). *مفتاح التّواریخ*. تحقیق مهرداد اکبری. قم: ابوالحسنی.
۱۲. ترکمان منشی. اسکندر بیک فراهی. (۱۳۱۴ ق). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تهران: دارالطباعه آقا سیدمرتضی.
۱۳. تقی‌الدین کاشانی. محمد بن علی. (۱۳۸۴). *خلاصه الاشعار و زبده الافکار*. بخش کاشان. به اهتمام عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.
۱۴. جامی. نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۷۸). *دیوان جامی*. ۲ جلد. مصحح اعلاخان افصح زاد. تهران: میراث مکتوب.
۱۵. جعفر حلیم. سید حسین. (۱۳۷۱). *شرح احوال و آثار عبدالرحیم خان خانان*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۶. حرزالدین. محمدحسین. (۱۳۸۵). *تاریخ النجف الاشرف*. ج ۱ و ۲. تصحیح و اضافات: عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین. قم: دلیل ما.
۱۷. خلیل احمد. محمدابراهیم جامی. (۱۳۳۷). *استخراج تاریخ در نظم*. کابل: مطبعه دولت.
۱۸. دانش پژوه. منوچهر. (۱۳۸۱). *تفنّن ادبی در شعر فارسی*. تهران: طهوری.
۱۹. دبیرسیاقی. سید محمد. (۱۳۹۰). *مادّه تاریخ*. قزوین: سایه گستر.

۲۰. درخشان. مهدی. (۱۳۷۴). *بزرگان و سخن سرایان همدان*. جلد ۱. تهران: اطلاعات.
۲۱. دهخدا. علی اکبر. (۱۳۸۸). *امثال و حکم*. جلد ۱. تهران: امیرکبیر.
۲۲. ذاکری. مصطفی. (۱۳۷۹). «*تاریخچه ابجد و حساب جمل در فرهنگ اسلامی*». مجله معارف. ش ۵۰. ۱۸-۴۷.
۲۳. ذوالفقاری. حسن. (۱۳۸۷). «*توبه نصوص*». در: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۶. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲۴. دبیرتفرشی. اسماعیل. (۱۳۹۸). *نخبه التواریخ فی مواد التاریخ*. تصحیح فاطمه بوجار. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۵. ذوالقدر. میمنت. (۱۳۷۶). *واژه‌نامه هنر شاعری*. تهران: کتاب مهنار.
۲۶. راغب اصفهانی. حسین بن محمد. (۱۳۹۰). *مفردات الفاظ قرآن*. ترجمه حسین خداپرست. قم: نوید اسلام.
۲۷. رضوانی. محمد اسمعیل. (۱۳۴۱). «*تاریخ مادّه تاریخ سازی*». مجله یغما. ش ۱۶۵. ۴۳-۴۶.
۲۸. رفیق اصفهانی. محمد حسین. (بی تا). *دیوان رفیق اصفهانی*. شماره ۲۹۱۲۴۸۵. کاتب میر عبدالباقی بن میر حسن قزوینی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۹. ساروی. محمدفتح‌الله بن محمدتقی. (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی یا احسن التواریخ*. به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: امیرکبیر.
۳۰. شاه طهماسب. بن اسماعیل بن حیدری الصفوی. (۱۳۶۳). *تذکره شاه طهماسب*. تصحیح امرالله صفری. تهران: انتشارات شرق.
۳۱. شمس العلمای گرکانی. محمدحسین. (۱۳۷۷). *ابدع البدایع*. به اهتمام حسین جعفری. تبریز: احرار.
۳۲. شیرسلیمیان. علی اکبر. (۱۳۸۸). *تاریخ واژه‌های یزد*. یزد: میراث فرهنگی یزد.
۳۳. صباحی بیدگلی. حاجی سلیمان. (۱۳۹۲). *دیوان صباحی بیدگلی*. تصحیح عبدالله مسعودی. قم: اسوه.
۳۴. صدری. مهدی. (۱۳۷۸). *حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۵. صفی پور. عبدالرحیم بن عبدالکریم. (۱۳۸۹). *منتهی الارب فی لغه العرب*. ج ۳ و ۴ در ۱ مجلد. تهران: سنایی.

۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر مجمع البیان*. جلد ۹. تحقیق و تعلیق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين قدم له الامام الأكبر السيد محسن الأمين. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۷. کابلی، عبدالله (۱۳۹۲). *تذکره التواریخ*. تصحیح علیرضا قوجه‌زاده. تهران: کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۸. مشتاق اصفهانی، سیدعلی (بی‌تا). *دیوان مشتاق اصفهانی*. نسخه خطی کتابخانه مرکزی تبریز. شماره بازیابی ۲۴۳۳.
۳۹. منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ*. ج ۱. تصحیح احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۰. نخجوانی، حسین (۱۳۴۳). *مواد التواریخ*. تبریز: ادبیه.
۴۱. نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸). *تذکره نصرآبادی*. *تذکره الشعرا*. جلد ۲. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
۴۲. هدایت، رضا قلی خان (۱۳۵۵). *مدارج البلاغه*. به اهتمام حسین معرفت. شیراز: معرفت.
۴۳. همایی، جلال الدین (۱۳۶۴). *دیوان سنا*. ج ۱. به اهتمام همدخت بانو همایی. تهران: هما.
۴۴. همایی، جلال الدین (۱۳۸۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: اهورا.
۴۵. واعظ کاشفی، فخرالدین علی (۱۳۳۶). *رشحات عین الحیات*. ج ۱. تصحیح علی اصغر معینیان. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریان.
۴۶. وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله (۱۳۹۶). *رساله‌های بدیع الربیع - حکایات نرد و شطرنج*. تحقیق و تصحیح علیرضا قوجه‌زاده. تهران: تمثال.

## Qur'anic Verses and references, fundamental basis in the telling Chronogram Composition. (Maddah al-Tarikh- guyi)

### Abstract

Chronogram composition (Māddah-Tārīkh-Sarā'ī) is one of the most delicate techniques connecting literature, religion, and history in the Iranian-Islamic culture. It masterfully and enduringly records historical events in the form of phrases, poems, or verses from the Quran and Prophetic Hadiths by utilizing the Abjad numerical system (Hisāb-e Jommal). Some scholars trace the roots of this technique to the Muqatta'āt (disjointed letters) of the Quran, attributing a sacred status to it due to its link with the Divine Word. When a chronogram is combined with Quranic verses, it transcends a mere numerical game, becoming a spiritual interpretation of history. The poet or historian selects a verse with particular precision, ensuring it is contextually relevant to the event and numerically corresponding to the year the incident occurred. Employing a descriptive-analytical method based on library resources, the present research examines the theoretical foundations of the subject while illustrating the historical examples and aesthetic functions of this art. Findings indicate that the use of Quranic verses in chronogram creation not only legitimizes historical events but also enhances their sacred dimension, playing a fundamental role in recording conquests, construction of buildings, cultural activities, and the obituaries of scholars, among other instances. In works such as Mawādd al-Tawārīkh and Nukhbat al-Tawārīkh, examples are presented where verses are used to explain concepts such as divine aid (nuṣrat), mercy (raḥmah), prosperity (ābādānī), and admonition ('ibrat-āmuzī). This article demonstrates that the sanctity, eloquence, and semantic depth of the Quran have rendered it the richest source for chronogram creation in Islamic culture, a source that not only records history but also imbues it with dual meaning under the light of Divine Wisdom, establishing an eternal link between the material world and the spiritual realms.

**Keywords:** Qur'anic verses, Chronogram composition, Qur'anic eloquence, Spiritual connection, Historiography